


دوماهنامه علمی - پژوهشی
د، ش ۶ (پایی ۴۱)، بهمن و اسفند ۱۳۹۷، صص ۲۶۵-۲۴۱

بررسی مناظرات حضرت ابراهیم در قرآن از منظر رویکرد پرگما - دیالکتیک

ارسان حسن‌پور دهنوی^۱، گیتی تاکی^{۲*}، صاحبعلی اکبری^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همکانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۲. استادیار زبان‌شناسی همکانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۳. دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

پذیرش: ۹۶/۹/۲۲

دریافت: ۹۶/۷/۴

چکیده

نوشتار حاضر تلاش می‌کند گفتمان استدلایلی مناظرات حضرت ابراهیم^(۱) را با نمرود، آزر، ستاره‌پرستان و بتپرستان در ترجمهٔ قرآن بر اساس رویکرد پرگما - دیالکتیک بررسی و مقایسه کند. این رویکرد دارای مراحل چهارگانه رویارویی، باب‌گشایی، استدلایلی و نتیجه‌گیری برای دفاع از یک دیدگاه فکری و متقادع کردن طرف مقابل است. به منظور بررسی و مقایسهٔ مناظرات حضرت ابراهیم^(۱) از جهت مراحل چهارگانه استدلایل و نیز مقایسهٔ کشتهای گفتاری آن‌ها، آیه‌های مربوط به این مناظرات از تفسیر نمونه) مکارم: ۱۳۸۷: ۲؛ ۱۳۸۷: ۱۳) و کتاب ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن (حسینی، ۱۳۸۳) مشخص شدند. از آیات مزبور ۱۰۵ کنش گفتار استخراج و به روش توصیفی - تحلیلی بررسی شد. داده‌ها نشان می‌دهد مراحل استدلایل در مناظرات مختلف حضرت ابراهیم^(۱) با یکدیگر تفاوت دارد. گفت‌وگو با ستاره‌پرستان در مرحلهٔ رویارویی و باب‌گشایی از دیگر مناظره‌ها تمایز است؛ به این ترتیب که از یک طرف اختلاف‌نظر در مرحلهٔ رویارویی پنهان است و به تدریج در مرحلهٔ باب‌گشایی و استدلایل آشکار می‌شود و از طرف دیگر، دیدگاه در این گفت‌وگو دارای قالب منفرد یک‌طرفه است. علاوه بر این، آن حضرت از روش «دراماتیک» برای اقتاع ستاره‌پرستان و بتپرستان کمک گرفته است. در مورد کنش گفتارها نیز بسامد کاربرد کش‌های گفتاری از سوی حضرت ابراهیم^(۱) و نیز نوع آن‌ها در مناظرات مختلف متفاوت است. همچنین، بررسی داده‌ها نشان می‌دهد، چنانچه این مدل در مراحل چهارگانه بخواهد در برگیرندهٔ همهٔ گفتمان‌های استدلایلی باشد باید در مرحلهٔ نتیجه‌گیری، تتعديل‌هایی را در نظر بگیرد.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، گفتمان استدلایلی، پرگما - دیالکتیک، کنش گفتار، مناظرات حضرت ابراهیم^(۱).

E-mail: giti_taki2020@yahoo.com

* نویسندهٔ مسئول مقاله:

۱. مقدمه

گفتمان، کاربرد زبان در موقعیت‌های مختلف است. به گفته پالتريج^۱ (2006) «گفتمان کاربرد واقعی زبان است که مردم واقعی آن را در دنیای واقعی به‌کار می‌برند». یکی از انواع گفتمان، گفتمان استدلالی^۲ است. استدلال بخشی از تعاملات زندگی روزمره ماست که در همه جای زندگی عادی و معمولی و از سوی همه گویشوران، از کودک تا بزرگسال به‌کار می‌رود. منظور از استدلال، دلیل آوردن برای اثبات یا رد یک ایده یا نظر است. در استدلال، شواهد و دلایلی برای مطلب خاصی ارائه می‌شود که مخاطب را اقتاع کند. به این ترتیب، در صورتی که نقش گفتمان، استدلال باشد، گفتمان استدلالی است. به بیان دیگر:

گفتمان استدلالی، گفتمانی است که در آن گوینده سعی دارد از طریق دلیل و برهان، شنونده را در مورد نظری یا درست و نادرست بودن چیزی یا انجام کاری متقادع کند یا با آوردن دلیل از ادعایی حمایت کند (تاكی، ۳:۱۳۸).

تلاش تحلیلگران گفتمان استدلالی این است که بررسی استدلال‌های روزمره را از حصار منطق و چینن صغیری و کباهای منطقی خارج کنند و آن را با رویکردهای زبانی بررسی کنند. یکی از این رویکردها، رویکرد پرگما - دیالکتیک است که نخستین بار ون امن و خروتندورست^۳ (1970) آن را مطرح کرده‌اند. از دید آن‌ها، گفتمان استدلالی:

تلاشی است برای برطرف ساختن اختلاف نظر در خصوص یک دیدگاه خاص. این تلاش از سوی موافقان و مخالفان یک دیدگاه فکری صورت می‌گیرد و آن‌ها با آوردن استدلال‌های مناسب از موضع فکری خود دفاع می‌کنند (Van Emeran & Grootendorst, 2004: 520).

رویکرد پرگما - دیالکتیک دارای مراحل چهارگانه رویارویی، باب‌گشایی، استدلالی و نتیجه‌گیری است که مشارکین یک دیدگاه فکری با توجه به بافت موقعیتی و آوردن استدلال حین گذر از این مراحل، تلاش می‌کنند تا از دیدگاه خود دفاع و طرف مقابل را متقادع کنند.

در قرآن کریم هم پیامبران الهی برای هدایت قوم خود از گفتمان‌های استدلالی بهره می‌گرفتند. دو نکته در خصوص «گفتمان استدلالی» پیامبران با قوم خود مهم است: ۱. معمولاً گفتمان استدلالی پیامبران با قوم خود به صورت مکالمه است. ۲. در جریان این مکالمات، کنش‌های گفتاری مختالفی به‌کار رفته‌اند. با توجه به اینکه مدل پرگما - دیالکتیک^۴ هر دو جنبه را

در بدنه نظری خود دارد، در نوشتار حاضر مناظرات حضرت ابراهیم^(۶) در قرآن بر اساس این مدل تحلیل می‌شود تا معلوم گردد که ۱. مراحل استدلال و شیوه‌های اقتاع مخاطب در مناظرات مختلف با یکدیگر تفاوت دارند؟ ۲. کنش‌های گفتاری در مناظرات مختلف یکسان‌اند؟ در پاسخ به این پرسش‌ها دو فرضیه برای پژوهش حاضر نیاز به بررسی دارد: ۱. مراحل استدلال و شیوه‌های اقتاع مخاطب در مناظرات مختلف حضرت ابراهیم^(۶) با یکدیگر تفاوت ندارند؟ ۲. کنش‌های گفتاری در مناظرات مختلف حضرت ابراهیم^(۶) یکسان نیستند.

جهت نیل به این هدف ترجمه گفتارگوهای استدلالی حضرت ابراهیم^(۶) با نمرود، آزر، ستاره‌پرستان و بتپرستان از *تفسیر نمونه* (مکارم، ۱۳۷۸: ۲؛ ۱۲۸۷: ۱۳) کتاب *ریخت‌شناسی قصه‌های قرآنی اثر حسینی* (۱۳۸۲) استخراج و مراحل استدلالی و کنش‌های گفتاری آن‌ها با یکدیگر مقایسه شده است. از مجموع ۱۶۷ آیه در سوره‌های بقره، آل عمران، نسا، انعام، توبه، هود، ابراهیم، حجر، مریم، انبیاء، حج، شعرا، عنکبوت، احزاب، صافات، ص، زخرف، ذاریات و حدید که داستان حضرت ابراهیم^(۶) را روایت کرده‌اند، به طور کلی ۶۱ آیه در قالب گفتارگو، کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم^(۶)، نمرود، آزر، ستاره‌پرستان و بتپرستان را در برگرفته‌اند. از آیات مذبور ۱۰۵ کنش گفتار استخراج شده است که ۸۶ مورد از سوی حضرت ابراهیم^(۶) و ۱۹ مورد به ضد قهرمان‌ها (نمرود، آزر، بتپرستان و ستاره‌پرستان) تعطیق دارد. کنش‌های گفتاری استخراج شده به روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس مراحل چهارگانه مدل پرگما - دیالکتیک و نظریه کنش گفتاری سرل (1969) بررسی و تحلیل شده‌اند.

مقاله حاضر بعد از مقدمه دارای بخش پیشینه در قسمت دوم، بخش چارچوب نظری در قسمت سوم، بررسی داده‌ها و نتیجه‌گیری در قسمت‌های چهارم و پنجم است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی سیر مطالعات در مورد گفتمان استدلالی نشان می‌دهد که کتاب *کاربردهای استدلال تالمن*^(۷) (1958) و کتاب *بلاغت جدید*^(۸) حاصل تلاش مشترک پرلمن و البرشت تیکا^(۹) (1965) به عنوان نقطه آغاز مطالعات جدید استدلال در زبان روزمره یا گفتمان استدلالی، محسوب می‌شوند. تولد، رشد و بالندگی رویکرد پرگما - دیالکتیک نیز مرهون همت ون امرن و

خروتندorst در سال‌های ۱۹۷۰ است که در دانشگاه آمستردام هلند به محافل علمی زبان‌شناسی و مطالعات استدلالی و تحلیل کلام معرفی شد (Van Emeran et al:2014). رویکرد مذکور از آن زمان تاکنون جرج و تعديل‌هایی داشته و در میان دیگر رویکردهای گفتمان استدلالی رشد اعجاب‌برانگیزی یافته است.

از نظر کاربرد، مدل پرگما - دیالکتیک از جمله در حوزه‌های حقوقی، سیاسی، پژوهشی و دانشگاهی از سوی افراد مختلفی در قالب رساله‌های دکتری و دیگر پژوهش‌های علمی در عمل استفاده شده است (*ibid*: 519); اما رویکرد مذکور در ایران ناشناخته مانده و در هیچ حوزه‌ای از آن استفاده نشده است.

از نظر کاربرد نظریه‌های استدلال‌ورزی، می‌توان به اعتباری (۱۳۹۲) اشاره کرد. وی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با بهره‌گیری از طرح‌های استدلالی به تحلیل انتقادی مبحث «حجاب» در ایران پرداخته است. پیش‌قدم و عطاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود با استفاده از مدل تالمون (1958) به بررسی کنش گفتاری استدلال در حوزه تبلیغات پرداخته‌اند. آن‌ها در این پژوهش نشان داده‌اند که تبلیغات فارسی بر «ادعا» متمرکز است، در صورتی که تبلیغات انگلیسی‌زبان بر «داده» استوار است.

برخی مطالعات قرآنی نیز به بررسی کنش‌های گفتاری قرآن از دیدگاه آستان و سرل پرداخته‌اند. از جمله این موارد می‌توان به عباسی (۱۳۹۲) اشاره کرد که به بررسی بسامد و نقش‌های مختلف کنش‌های گفتاری سرل در جزء ۳۰ قرآن پرداخته است. حسینی معصوم و رادمرد (۱۳۹۳) نیز به بررسی بسامد کنش‌های گفتاری در سوره‌های مکی و مدنی پرداخته‌اند. تحقیقات مشابه دیگری همچون حسینی معصوم و رادمرد (۱۳۹۳)، پیشوایی علوی و پناهی (۱۳۹۴) و ویسی و اورکی (۱۳۹۳) نیز صورت گرفته است؛ ولی تاکنون در هیچ یک از مطالعات قرآنی از رویکرد تلفیقی پرگما - دیالکتیک استفاده نشده است و برای نخستین بار در نوشتار حاضر این رویکرد برای تحلیل مناظرات حضرت ابراهیم^(۷) استفاده می‌شود. تفاوت پژوهش حاضر از نظر بررسی کنش‌های گفتاری در قرآن نیز باب‌گشایی رهیافتی نو در این زمینه است که از یکسو بر نوع خاصی از گفتمان، یعنی استدلالی متمرکز شده و از سوی دیگر با استفاده از رویکردی مناسب در این حوزه و توزیع کنش‌ها در چهار مرحله، دریچه‌هایی برای تحقیق و بررسی در حوزه‌های تفسیر و علوم قرآنی ایجاد کرده است.

۲. چارچوب نظری

ون امرن و خروت دورست در سال ۱۹۸۲ از رساله دکتری خود دفاع کردند و در سال ۱۹۸۴ آن را با عنوان «کنش‌های گفتاری در مباحث استدلالی» به زبان انگلیسی منتشر کردند. در همین اثر بود که آن‌ها برای نخستین بار نظریه رویکرد پرگما - دیالکتیک را مطرح و از آن دفاع کردند (Eveline et al: 2011). این رویکرد چارچوب پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد.

۳-۱. بخش‌های اصلی رویکرد پرگما - دیالکتیک

رویکرد پرگما - دیالکتیک دارای دو بخش اصلی است: بخش دیالکتیک و بخش پرگماتیک. ون امرن و همکاران (2007) این دو بعد را به تفکیک آورده‌اند.

۳-۱-۱. بخش دیالکتیک

بخش نخست رویکرد پرگما - دیالکتیک در قالب «مدل ایده‌آل بحث انتقادی^۹» است که دارای مراحل چهارگانه‌ای است که طرفین موافق و مخالف هر دیدگاه فکری^{۱۰} با بیان دیدگاه‌ها و آوردن استدلال و دفاع از نظر خود تلاش می‌کنند که طرف مقابل را مقاعد کنند تا دیدگاه آن‌ها را پذیرد. این مراحل عبارت‌اند از:

مرحله اول: رویارویی^{۱۱}. در این مرحله اختلاف‌نظر یا عقیده بروز می‌کند و یک یا چند دیدگاه در مخالفت با یکدیگر قرار می‌گیرند. اگر چنین رویارویی نباشد هیچ نیازی برای یک بحث انتقادی نیست؛ زیرا اختلاف‌نظری نیست که لازم باشد حل شود. در گفتمان استدلالی، مرحله رویارویی متناظر است با آن قسمت‌هایی از گفتمان که مشخص می‌شود یک دیدگاه با تردید طرف مقابل در یک مباحثه مواجه شده است، به طوری که اختلاف‌نظر رخ می‌دهد یا انتظار می‌رود که چنین اختلاف‌نظری اتفاق بیفتد (Van Emeran et al, 2014:529).

ساده‌ترین نوع اختلاف‌نظر هنگامی است که یک دیدگاه مورد شک طرف مقابل واقع می‌شود و از آنجا که این اختلاف‌نظر فقط یک گزاره را در بر می‌گیرد، به آن دیدگاه منفرد یا ساده گفته می‌شود که به صورت مثبت و یا منفی است (Van Emeran et al, 2002). اگر چنانچه بیش از یک گزاره مورد اختلاف طرفین باشد، اختلاف دیدگاه چندگانه را داریم.



مرحله دوم: بابگشایی^{۱۲}. در این مرحله، تقسیم نقش‌های قهرمان و ضدقهرمان با توافق طرفین صورت می‌گیرد، تعهدات طرفین مشخص می‌شود و قهرمان ملزم است از دیدگاه خود دفاع کند؛ در صورتی که ضدقهرمان ملزم است به شکل انتقادی در مقابل دفاع قهرمان از دیدگاهش پاسخ‌گوید (Van Emeran et al, 2014:529).

مرحله سوم: استدلال‌ورزی^{۱۳}. در این مرحله، قهرمان از دیدگاه خود در برابر پرسش‌های انتقادی ضدقهرمان دفاع می‌کند. اگر ضدقهرمان مقاعد نشد استدلال‌ورزی بیشتری از جانب قهرمان در قبال عکس‌العمل‌های ضدقهرمان صورت می‌گیرد. در تیجه، ساختار استدلال از ساده و منفرد تا پیچیده می‌تواند در نوسان باشد (*ibid*). چگونگی این ساختار به چگونگی دفاع و پاسخ‌گویی به حریف وابسته است. اگر در یک بحث استدلالی حریف درباره پذیرش یک استدلال خاصی شک کند، این شک ممکن است به دوگونه باشد: شک درباره محتوای گزاره‌ای و یا شک درباره قدرت توجیهی و استدلالی. در بیشتر موارد حریف صرفاً نشان می‌دهد که استدلال مطرح شده پذیرفتی نیست و از مرحله شک جلوتر نمی‌رود؛ ولی ممکن است علاوه بر اظهار شک، چراچی آن را نیز با آوردن استدلال نشان دهد. در این جاست که او دیدگاه خود را متقابلاً ارائه می‌دهد و ساختار استدلال پیچیده می‌شود. گاهی مشارکین ممکن است بیشتر از یکبار اقدام به دفاع از دیدگاه خود کند در اینجا استدلال بهکار رفته از نوع استدلال ترکیبی است. (Van Emeran et al, 2007).

مرحله چهارم: نتیجه‌گیری^{۱۴}. در این مرحله مشارکین در گفتمان استدلالی به مرحله تصمیم‌گیری درباره تلاشی می‌رسند که طی فرایند حل اختلاف‌نظر انجام داده‌اند. اختلاف‌نظر هنگامی برطرف شده است که طرفین به این نتیجه برسند که یا دیدگاه قهرمان پذیرفتی است یا دیدگاه ضدقهرمان (*ibid*).

هر استدلال بر اساس یک طرح^{۱۵} است. در واقع، هر طرح رابطه خاصی بین استدلال و دیدگاه فکری مرتبط با آن ایجاد می‌کند. رویکرد پرگما - دیالکتیک بر اساس این رابطه بین استدلال و دیدگاه مرتبط با آن، سه نوع استدلال را شناسایی می‌کند که هر کدام طرح مخصوص به خود را دارد (Van Emeran et al, 2007:103). این سه نوع عبارت‌اند از:

۱. استدلال مبتنی بر مقایسه: قهرمان داستان تلاش می‌کند که با استفاده از مقایسه کردن

دو مورد (شخص، چیز، موضوع و...) طرف مقابل را با نظر خود همسو کند.

۲. استدلال مبتنی بر علت: در اینجا رابطه علیت مورداستقاده قرار می‌گیرد.

۳. استدلال مبتنی بر نشانه: در اینجا مجموعه‌ای از نشانه‌ها در کنار هم مبنای قضاوت قرار می‌گیرند. برای مثال مشخصه‌هایی از قبیل صحبت کردن به زبان فارسی، رنگ و نژاد، نوع لباس و مذهب می‌توانند نشانه ایرانی بودن باشند.

۳-۱-۲. بخش پرگماتیک

در بخش کاربردشناختی، ون امرن و خروتندورست کنش‌های گفتاری سرل را در الگوی خود تلفیق کرده‌اند. به این ترتیب که در هر کدام از مراحل چهارگانه بخش دیالکتیک، حرکت‌های استدلالی^{۱۶} را به عنوان کنش‌های گفتاری در نظر گرفته‌اند. منظور از حرکت‌های استدلالی یکی بیان دیدگاه فکری در خصوص یک موضوع از جانب مشارکین در بحث و گفتمان استدلالی است و دیگری کاربرد استدلال برای دفاع از آن دیدگاه فکری. برای مثال عبارتی مانند: «به نظر من» نشان‌دهنده دیدگاه فکری مشارکین و کاربرد عبارتی نظیر «به این دلیل» نشان‌دهنده به کارگیری استدلال در دفاع از یک دیدگاه است (*ibid*). در الگوی پرگما - دیالکتیک حرکت‌های استدلالی به صورت کنش‌های گفتاری بررسی می‌شوند.

کنش‌های گفتاری سرل در پنج گروه طبقه‌بندی شده‌اند: ۱. کنش‌های گفتاری اظهاری که تعهد گوینده را نسبت به صدق گزاره نشان می‌دهند. ۲. کنش‌های گفتاری ترغیبی که به ترغیب مخاطب برای انجام کاری می‌پردازند. ۳. کنش‌های گفتاری تعهدی که گوینده با قول دادن، سوگند خوردن و ... متعهد می‌شود که در آینده کاری انجام دهد. ۴. کنش‌های گفتاری‌های عاطفی که گوینده احساس خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک و ناسزا و جز آن بیان می‌کند. ۵. کنش‌های گفتاری اعلامی که گوینده شرایط تازه‌ای را برای مخاطب اعلام می‌کند (صفوی، ۱۳۷۹).

در الگوی پرگما - دیالکتیک، توزیع این کنش‌های گفتاری در مراحل چهارگانه بخش دیالکتیک است. بر اساس دیدگاه ون امرن و همکاران (2007) کنش‌های گفتاری عاطفی، نقش سازنده‌ای در حل اختلاف‌نظر مشارکین در گفتمان استدلالی ندارند؛ ولی ممکن است به طور

غیرمستقیم در پیشبرد فرایند استدلال نقش داشته باشد. از نظر آن‌ها گفتشاهی گفتاری دیگر تقریباً به یک میزان در مراحل چهارگانه فرایند استدلال به کار می‌روند.

۲-۲. بافت استدلال

به طور کلی گفتمان نمی‌تواند جدای از بافت و مشارکین بررسی شود. گای کوک (۱۳۸۹:۵۸)^{۱۷} بر این باور است که عوامل متعددی از قبیل لحن، صدا و حالت چهره، نوع رابطه بین سخنگویان زبان، سن، جنسیت و موقعیت اجتماعی آنان، زمان و مکان و بالاخره میزان پیش‌زمینه فرهنگی سخنگویان زبان در تعبیر هر تعامل واقعی لحاظ می‌شود. مجموعه این عوامل را بافت می‌نامند. ضیا حسینی (۱۳۹۱: ۳۰ - ۳۵) بر این باور است که بافت به معنی بستر سخن است که متن در آن واقع شده است و اشاره به همه عوامل فرازبانی دارد که به نحوی بر متن تأثیرگذار هستند. عواملی از قبیل ویژگی‌های طرفین، رسانه پیام، هدف ارتباط و

۳-۳. طرح راهبردی

ون امرن و همکاران (2014) بر این باور هستند که از عمدۀ ترین تحولاتی که به لحاظ نظری صورت گرفته است، اقدامی است که ون امرن و هاتلوسر^{۱۸} در راستای تقویت پیوند پرگما - دیالکتیک با واقعیت استدلالی انجام دادند. آن‌ها «طرح راهبردی» را وارد نظریه خود کردند تا با افزایش ابزارهای آن توان رویکرد مزبور را برای تحلیل عمیقتر و واقعی‌تر گفتمان‌های استدلالی افزایش دهند. ون امرن (2010: 601) مفهوم مانور راهبردی را با پیشنهاد مثبت مانور راهبردی تصویرسازی کرده است. در این مثبت سه جنبه مانور راهبردی نمایش داده شده است که به شدت بهم وابسته‌اند:

۱. انتخاب موضوع: از میان موضوعات متناظر و مرتبط، موضوعی برای گفتمان استدلالی انتخاب می‌شود.
۲. نیاز مخاطب: بر اساس نیاز شنونده یا خواننده، گوینده گفتمان را مناسب‌سازی می‌کند و
۳. ابزارهای ارائه: برای ارائه موضوع ابزارهای مناسبی به کار گرفته می‌شوند.

۴. تحلیل و بررسی داده‌ها

بر اساس پژوهش حسینی (۱۳۸۲)، بهطور کلی قصه حضرت ابراهیم^(ع) شامل ۱۶۷ آیه از قرآن کریم است. در بررسی حاضر، آیاتی از سوره‌های مبارکة بقره (۲۵۸)، انعام (۷۴ - ۷۹)، مریم (۴۲ - ۴۶) و انبیا (۵۱ - ۷۰) که در بردارنده مناظرات حضرت ابراهیم^(ع) هستند، برای تحلیل استخراج شده‌اند.

۴-۱. گفت‌وگوی حضرت ابراهیم^(ع) با نمرود

گفت‌وگوی مذبور در آیه ۲۵۸ سوره مبارکة بقره آمده است که از دو جنبه تحلیل دیالکتیک و کاربردشناختی بررسی می‌شود.

۴-۱-۱. تحلیل دیالکتیک

این گفت‌وگو از نظر تحلیل دیالکتیک دارای چهار مرحله است. در مرحله رویارویی، دیدگاه‌های توحید و شرک رودرروی هم قرار گرفته‌اند. هر دو دیدگاه به صورت صریح بیان شده‌اند و اثباتی هستند. بعلاوه دیدگاه مذبور در این مرحله دارای قالب تلفیقی است. در مرحله باب-گشایی، حضرت ابراهیم^(ع) در نقش قهرمان توحیدی با حرکت استدلالی صریح پروردگار خود را معرفی می‌کند: «خدای من آن کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند». و نمرود هم در نقش ضدقهرمان دیدگاه مخالف خود را به صورت صریح بیان می‌کند: «من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم». در مرحله استدلال ورزی، حضرت ابراهیم^(ع) با استفاده از طرح مقایسه گفتمان قدرت به استدلال ورزی می‌پردازد. ابراهیم^(ع) گفت: «خداؤند خورشید را از افق مشرق می‌آورد: (اگر راست می‌گویی...) خورشید را از مغرب بیاور». در مرحله نتیجه‌گیری، نمرود از برآوردن خورشید از مغرب عاجز ماند و مبهوت شد. با توجه به حرکت‌های استدلالی در گفت‌وگوی مذبور شیوه‌ای که حضرت ابراهیم^(ع) برای اقناع مخاطب انتخاب کرده است درخور تأمل است. به کارگیری طرح استدلالی «مقایسه‌ای» گفتمان قدرت از سوی حضرت ابراهیم^(ع)، نمرود را که ادعای الوهیت می‌کرد، وادار کرد تا در گفتمان قدرت وارد عمل شود که نتیجه‌ای جز بهت و سکوت برای او در برنداشت.

۲-۱-۴. تحلیل کاربردشناختی

از نظر کاربردشناختی، مشارکین در گفتمان، بافت موقعیتی و کنش‌های گفتاری در تحلیل بسیار اهمیت دارند. مشارکین در گفتمان حضرت ابراهیم^(۴) با نمود عبارت‌اند از: (الف) حضرت ابراهیم: آیه ۷۵ سوره انعام به ویژگی «دارای یقین» و آیه ۴۱ سوره مریم به ویژگی‌های «بسیار راستگو و پیامبر خدا بودن» در مورد وی اشاره می‌کند. (ب) نمود: مکارم و همکاران (۳۴۰:۱۳۸۷) در معرفی شخصیت او گفته‌اند که جبار آن زمان مدعی الوهیت بود، نه تنها به این معنی که او را پرستش کنند؛ بلکه علاوه بر این، نمود خود را آفریدگار عالم هستی نیز معرفی می‌کرد. از نظر بافت موقعیت، مکارم و همکاران (۳۴۰:۱۳۷۸) درباره زمان و قوع این رویداد بر این باور هستند که این جریان بعد از بت‌شکنی حضرت ابراهیم^(۵) و نجات او از آتش بوده است؛ زیرا قبل از به آتش افکنند ابراهیم^(۶) مجالی برای این گفت‌وگوها نبوده است و اصولاً بت‌پرستان حق چنین مباحثه‌ای را به او نمی‌دادند. از نظر توزیع کنش‌های گفتاری، تلفیق مراحل چهارگانه با کنش‌های گفتاری متناظر با آن در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: توزیع کنش‌های گفتاری در گفت‌وگوی حضرت ابراهیم^(۷) با نمود (بقره/۲۵۸/۲)

Table 1: Distribution of speech acts in Abraham and Nimrod's dialogue
(Al-Baqara 2/258)

مراحل استدلال	کنش‌های گفتاری
۱. مرحله رویارویی	دیدگاه توحید: کنش گفتاری ترغیبی: ای نمود! خدای یگانه را پرستش کن. دیدگاه شرک: کنش اظهاری: من خدای مردم و جهان هستم.
۲. مرحله باب گشایی	نمود: کنش ترغیبی: ای ابراهیم! خدای تو کیست؟ حضرت ابراهیم ^(۸) : کنش گفتاری اظهاری: پروردگار من کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند. نمود کنش گفتاری اظهاری: من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم.
۳. مرحله استدلالی	کنش اظهاری و ترغیبی «خداوند خورشید را از افق مشرق می‌آورد: (اگر راست می‌گوینی که حاکم بر جهان هستی تو بی،) خورشید را از مغرب بیاور.».
۴. مرحله نتیجه‌گیری	کنش گفتاری پس بیانی: آن مرد کافر مبهوت و وامانده شد.

جدول ۲: بسامد کنش‌های گفتاری در گفت‌و‌گوی حضرت ابراهیم^(ع) با نمرود(بقره/۲/۲۵۸)

Table 2: Frequency of speech acts in Abraham and Nimrod's dialogue.

Al-Baqara (2/258)

کنش گفتاری	بسامد(قهرمان)	درصد	بسامد(ضدقهرمان)	درصد	درصد
اظهاری	۳	%۵۰	۲	%۳۳/۳۳	%۳۳/۳۳
ترغیبی	۱	%۱۷/۶۶	.	.	.
اعلامی
تعهدی
عاطفی

کنش‌های حضرت ابراهیم^(ع) در نقش قهرمان دو برابر کنش‌های نمرود است. مرحله

نتیجه‌گیری با کنش پس بیانی «بهت و سکوت» نشان داده شده است.

۴ - ۲. گفت‌و‌گوی حضرت ابراهیم^(ع) با آزر

آیات مورد بررسی از سوره مریم (۴۲ - ۴۷) است.

۴ - ۲ - ۱. تحلیل دیالکتیکی

این گفت‌و‌گو نیز دارای چهار مرحله است. در مرحله رویارویی، دیدگاه توحید و شرک رودرروی هماند. از آنجا که بعد از بیان دیدگاه توحیدی حضرت ابراهیم^(ع)، آزر در مقام دفاع از دیدگاه بتپرستی خود، نه تنها شک می‌کند؛ بلکه دیدگاه مخالفت خود را در قالب آیه ۴۶ بیان می‌کند، پس دیدگاه تلفیقی داریم. در مرحله بابگشایی، حضرت ابراهیم^(ع) در قالب چهار آیه به تفصیل دیدگاه خود را بیان می‌کند و آزر نیز با مخالفت خود در آیه ۴۶ از دیدگاه خود دفاع می‌کند. در مرحله استدلالی، حضرت ابراهیم^(ع) از طرح استدلال مبتنی بر علت استفاده کرده است. نقش‌نمای «چرا» در آیه ۴۲، نقش‌نمای محدود «به این دلیل که» و نقش‌نمای صریح «بنابراین» در آیه ۴۳، و نقش‌نمای «درنتیجه» در آیه ۴۵ نشان‌دهنده این نوع استدلال هستند. در مقابل استدلال‌های حضرت ابراهیم^(ع)، آزر هیچ‌گونه استدلالی برای دفاع از بیان نمی‌آورد. در مرحله نتیجه‌گیری، آزر نه تنها مقاعد نمی‌شود؛ بلکه به جای دفاع از دیدگاه خود در پاسخ به

استدلال‌های متعدد حضرت ابراهیم^(۴)، از سنجساز کردن او سخن می‌گوید.

۴ - ۲ - ۲. تحلیل کاربرد شناختی

الف) مشارکین: حضرت ابراهیم و آزر. مکارم شیرازی و همکاران (۹۴:۱۳۸۷) در معرفی آذر گفته‌اند: «طبق روایات، آزر مردی بـتپـست و بـتـترـاش بـودـه، عـموـی حـضـرـت اـبـرـاهـیـم^(۴) و اـزـ نـظرـ سـنـ بـسـیـارـ بـزـرـگـترـ اـزـ حـضـرـت اـبـرـاهـیـمـ بـودـهـ اـسـتـ». بـ) باـفتـ مـوـقـعـیـتـ: درـ حـقـیـقـتـ حـضـرـت اـبـرـاهـیـم^(۴) دـعـوـتـشـ رـاـ اـزـ عـموـیـ خـودـ شـرـوـعـ مـیـكـنـدـ. بهـ اـینـ دـلـیـلـ کـهـ نـفـوذـ درـ نـزـدـیـکـانـ لـازـمـتـ اـسـتـ. جـ) توـزـیـعـ کـنـشـهـایـ گـفـتـارـیـ: کـنـشـهـایـ گـفـتـارـیـ بـهـ کـارـرـفـتـهـ درـ مـراـحـلـ چـهـارـگـانـهـ درـ قـالـبـ جـدـولـ ۳ـ آـمـدـهـ اـسـتـ.

جدول ۳: توـزـیـعـ کـنـشـهـایـ گـفـتـارـیـ حـضـرـت اـبـرـاهـیـم^(۴) باـ آـزـ(ـمـرـیـمـ ۴۲ـ/ـ۱۹ـ - ۴۷ـ)

Table 3: Distribution of speech acts in Abraham and Azar's dialogue.
(Al-Maryam :19/42-47)

مراحل استدلال	کنش‌های گفتاری
۱. مرحله رویارویی	دیدگاه توحیدکنش گفتاری ترغیبی: ای پدر! بت‌ها را پرسش نکن. دیدگاه شرک: کنش ترغیبی: ای ابراهیم! از پرسش بت‌ها روی‌گردان می‌باشد.
۲. مرحله بابگشایی و ۳. استدلالی	ابراهیم: کنش گفتاری ترغیبی(۱): ای پدر! چرا چیزی را پرسش می‌کنی که نه می‌بینند و نه می‌شنوند و نه مشکلی را از حل می‌کنند؟ کنش گفتاری ترغیبی و اظهاری (۲): ای پدر! داشتی برای من آمده است که برای تو نیامده. بنابراین، از من پیروی کن. کنش گفتاری ترغیبی(۳): ای پدر شیطان را پرسش نکن. کنش عاطفی: ای پدر! من برای تو از خدای رحمان می‌ترسم که عذابی به تو برسد. آزر: کنش گفتاری ترغیبی: دست از کارت بردار.
۴. مرحله نتیجه‌گیری	آزر: کنش اعلامی و عاطفی منفی: تو را سنجساز می‌کنم. ابراهیم کنش عاطفی مثبت: سلام بر تو.

گفتنی است در جدول ۳ مراحل بابگشایی و استدلالی با هم آورده شده‌اند؛ زیرا در عین حال که نخستین کنش گفتار، پرسشی است و ترغیبی محسوب می‌شود، دارای این استدلال نیز هست که چون بت‌ها نمی‌بینند و نمی‌شنوند شایسته پرسش نیستند و کنش گفتار دوم در عین امری بودن استدلالی نیز هست؛ «چون برای من دانشی است که تو نداری پس از من پیروی کن»، در

جدول ۴ بسامد کنش‌های گفتاری گفت و گوی حضرت ابراهیم^(ع) با آزرنشان داده شده است.

جدول ۴: بسامد کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم^(ع) با آزر (انعام/۶، مریم/۴۷ - ۴۲/۱۹)

Table4:Frequency of speech acts in Abraham and Azar's dialogue
(Al-an'am 6/74)
(Al-Maryam 19/ 42-47)

کنش گفتاری	بسامد قهرمان	درصد	بسامد(ضدقهرمان)	درصد
اظهاری	۳	%۲۱/۴۲	.	%۲۱/۴۲
ترغیبی	۳	%۲۱/۴۲	۲	%۱۴/۲۸
اعلامی	.	%۷/۱۴	۱	%۷/۱۴
تعهدی	۱	%۷/۱۴	.	.
عاطفی	۳	%۲۱/۴۲	۱	%۷/۱۴

با توجه به جدول‌های ۱ تا ۴ در خصوص مانور راهبردی حضرت ابراهیم^(ع) نکته‌های ذیل قابل تأمل است: ۱. میزان کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم^(ع) بیش از دو برابر کنش‌های آزر است. ۲. کنش اظهاری از سوی آزر به کار نرفته است و این امر نشان‌دهنده خلاً دیدگاه فکری، یعنی جایگزینی استدلال و تعقل با تعصب است، در صورتی که حضرت ابراهیم^(ع) مرحله باب-گشایی و استدلالی را با همین کنش‌های اظهاری ترکیب کرده است. ۳. استفاده از کنش عاطفی مثبت «درود بر تو» از سوی حضرت ابراهیم^(ع) نشان‌دهنده ادب و احترام حضرت ابراهیم^(ع) به آزر است و به همین دلیل تعداد کنش‌های اظهاری که بیان‌کننده دیدگاه است، نشان‌دهنده میزان تلاش آن حضرت است تا آزر را به توحید ترغیب کند و باز به همین میزان، از کنش عاطفی مثبت استفاده می‌کند تا محبت خود را به آزر نشان دهد. به کارگیری کنش تعهدی از سوی حضرت ابراهیم^(ع) در واقع کامل‌کننده این تلاش است.

۴- ۳. گفت و گوی حضرت ابراهیم^(ع) با ستاره‌پرستان

این گفت و گو در آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام آمده است.

۱-۳-۴. تحلیل دیالکتیکی

این گفتگو نیز دارای چهار مرحله است. در مرحله رویارویی، دو دیدگاه توحید و ستاره‌پرستی در مقابل با هم قرار گرفته‌اند؛ اما چگونگی رویارویی غیرصریح و حساب‌شده است. در اینجا بیان اختلافنظر از جانب حضرت ابراهیم^(۴) به صورت مراحل سه‌گانه بهطور تدریجی ابراز می‌شود. در مرحله بابگشایی، حضرت ابراهیم^(۴) به عنوان قهرمان و ستاره‌پرستان در نقش ضدقهرمان هستند. در مرحله استدلالی حضرت ابراهیم^(۴) سه بار استدلال کرده است. از نظر طرح استدلال، حضرت ابراهیم^(۴) به طور تلفیقی هم از طرح استدلال علی و هم از طرح استدلال مبتنی بر نشانه استفاده کرده است. «طرح استدلال علی» هنگامی است که می‌گوید «من افول‌کنندگان را دوست ندارم». در واقع، به صورت تلویحی می‌گوید «پس ستاره را پرستش نمی‌کنم، چون افول می‌کند». خوانش طرح مبتنی بر نشانه، در این مرحله دارای دو زاویه است: زاویه نگاه ستاره‌پرستان و زاویه نگاه حضرت ابراهیم^(۴). از نظر ستاره‌پرستان، ستاره، ماه و خورشید هر کدام مظہر «خدا» محسوب می‌شوند و بنابراین ستاره‌پرستان آن‌ها را پرستش می‌کنند؛ در صورتی که حضرت ابراهیم^(۴) هر سه را بدليل داشتن «نشانه افول کردن» شایسته پرستش نمی‌داند. پس از نظر حضرت ابراهیم^(۴) این‌ها فقط نشانه وجود خدا هستند. در مرحله نتیجه‌گیری موافقت و یا مخالفت ستاره‌پرستان نیامده است. همین که مخالفان دلیلی برای دیدگاه خود عنوان نکرداند مشخص می‌کند که دیدگاه توحیدی حضرت ابراهیم^(۴) غالب است.

۴-۳-۴. تحلیل کاربردشناختی

(الف) مشارکین: حضرت ابراهیم^(۴) و ستاره‌پرستان. حضرت ابراهیم^(۴) بعد از مبارزات سخت با بت‌پرستان در بابل رو به سوی شام نهاد که با ستاره‌پرستان و خورشید‌پرستان برخورد کرد.
(ب) بافت موقعیتی: فلاخپور (۱۳۷۲) درباره طول مدت‌زمان این مناظره که یک شبانه‌روز به طول انجامید، می‌گوید: «این مناظره با پایان یافتن روز و فرار سیدن تاریکی شب در میان مردم جاهلی که آماده خضوع و پرستش پرنورترین و زیباترین ستاره، یعنی زهره، که در میان آن‌ها معروف به الله "عشتر" بود، آغاز شد». (ج) توزیع کش‌های گفتاری: در مرحله رویارویی، حضرت ابراهیم^(۴) ظاهراً در جمع ستاره‌پرستان قرار گرفته است. در مرحله بابگشایی، حضرت

ابراهیم^(۴) از موقعیت زمانی استفاده کرد و ایجاد پیوند بین کنش گفتاری با زمان نوعی مانور راهبردی از سوی حضرت ابراهیم^(۵) است. در مرحله سوم کنش گفتاری اعلامی و عاطفی منفی از جانب حضرت ابراهیم^(۶) با اقول کردن ستاره، ماه و خورشید مراحل استدلال تدریجی را فراهم می‌آورد. در مرحله نتیجه‌گیری، کنش گفتاری که دال بر مقاعد شدن ستاره‌پرستان است، بر حسب ظاهر وجود ندارد و آن‌ها سکوت کردند.

جدول ۵: توزیع کنش‌های گفتاری حضرت ابراهیم^(۷) با ستاره‌پرستان(انعام ۶/۷۶ - ۷۹)

Table 5: Distribution of Abraham's speech acts with starworshippers
(Al-An'am 6/76-79)

مرحله استدلال	کنش‌های گفتاری
۱. مرحله رویارویی	دیدگاه توحید: (برحسب ظاهر) حضرت ابراهیم: کنش گفتاری اظهاری: من ستاره می‌پرسنم. ستاره‌پرستان: کنش گفتاری اظهاری غیرصریح: ما ستاره می‌پرسیم.
۲. مرحله باب گشایی	حضرت ابراهیم: کشن اظهاری(۱): این ستاره خدای من است. کشن اظهاری(۲): این(ماه) خدای من است. کشن اظهاری(۳): خورشید خدای من است.
۲. مرحله استدلالی	حضرت ابراهیم: کشن عاطفی و اعلامی: «من اقول کنندگان را دوست ندارم». کشن اظهاری: اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند مسلماً از گمراهان خواهم بود. کشن اعلامی و عاطفی منفی: ای مردم من از شریک‌هایی که شما برای خدا می‌سازید بیزارم. ستاره‌پرستان: -----
۴. مرحله نتیجه‌گیری	کشن گفتاری پس‌بینی ستاره‌پرستان: سکوت.

جدول ۶: بسامد کنش‌های گفتاری در گفت‌وگوی حضرت ابراهیم^(۸) با ستاره‌پرستان(انعام ۶/۷۶ - ۷۹)

Table 6:Frequency of speech acts in Abraham's dialogue with starworshipper

کنش گفتاری	بسامد(قهرمان)	درصد بسامد(قهرمان)	درصد	درصد
اظهاری	۱۰	%۴۲/۴۷	.	.
ترغیبی	۳	%۱۲/۰۴	.	.
اعلامی	۷	%۲۰/۴۲	.	.
تعهدی	۰	.	.	.
عاطفی	۳	%۱۲/۰۴	.	.

با نگاهی به مراحل دیالکتیکی و کنش‌های گفتاری در گفت‌و‌گو با ستاره‌پرستان، بارزترین وجه مانور راهبردی با مخاطب «دراماتیک بودن» این مناظره است. حضرت ابراهیم^(۴) با وارد کردن مؤلفه زمان از یکسو و استفاده از استدلال برون‌زبانی از سوی دیگر مخاطب را دعوت به تفکر می‌کند. آن حضرت تلاش می‌کند تا با «افول کردن» ماه، ستاره و خورشید به آن‌ها نشان دهد که این‌ها شایسته پرستش نیستند. کنش‌های گفتاری اعلامی در این مناظره وجه «دراماتیک بودن» را دوچندان می‌کند. حضرت ابراهیم^(۴) با به نمایش گذاشتن شخصیت پویا در تقابل با شخصیت «ایستا»، این تغییر عقیده از ستاره‌پرستان را در سه مرحله به اجرا می‌گذارد و در پایان هر مرحله با اعلام برائت، از شرک بیزاری می‌جوید و کنش گفتار اعلامی و عاطفی منفی را به هم درمی‌آمیزد. دو برابر بودن کنش‌های اظهاری در تقابل با ترغیبی و سکوت ستاره‌پرستان، از جنبه‌های غالب بودن استدلال حضرت ابراهیم^(۴) در این مناظره است.

۴ - ۴. گفت‌و‌گوی حضرت ابراهیم با بت‌پرستان این گفت‌و‌گو در آیات ۵۱ تا ۷۰ سوره انبیا آمده است.

۴ - ۱ - ۱. تحلیل دیالکتیکی
مرحله رویارویی: در این گفت‌و‌گو دیدگاه تلفیقی وجود دارد که در بردارنده اختلاف‌نظر گفتمان توحیدی حضرت ابراهیم^(۴) با گفتمان شرک و بت‌پرستی است. هنگامی که حضرت ابراهیم^(۴) گفت: «این مجسمه‌های بی‌روحی که شما همواره پرستش می‌کنید چیست؟»، بت‌پرستان هم متقابلاً دیدگاه شرک‌آلود خود را بیان کرده‌اند. در مرحله استدلالی، مشرکان با طرح استدلالی مبتنی بر مقایسه، مبنی بر اینکه پدرانشان را دیده‌اند که بت می‌پرستند، استدلال می‌کنند. در پاسخ به این استدلال که بر اساس تقلید کورکورانه بود، حضرت ابراهیم^(۴) با تأکید بسیار زیاد گفت: «مسلماً هم شما و هم پدرانتان در گمراهی آشکاری بوده‌اید». حضرت ابراهیم^(۴) با استفاده از طرح استدلالی نشانه‌شناختی به آن‌ها نشان می‌دهد که بت‌ها حتی توان سخن گفتن ندارند. در آیه ۶۳: «بلکه بزرگشان این کار را کرده باشد. از آن‌ها سؤال کنید اگر سخن می‌گویند؟» طرح استدلالی دیگر که حضرت از آن استفاده می‌کند، طرح استدلالی علی است. آیه ۶۶ دارای این طرح استدلالی است: «آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد و نه

زیانی می‌رساند؟». در مرحله نتیجه‌گیری، اگر لجاجت و تعصّب آن‌ها نبود، استدلال‌های حضرت ابراهیم^(۴) را پذیرفته بودند. آیه ۶۴ و ۶۵ اشاره می‌کند که آن‌ها به وجود خود بازگشتن و گفتن: «حقاً كه شما ستمگردید»؛ ولی با فراموشی وجود خود خواهان به آتش افکدن حضرت ابراهیم^(۴) شدند.

۴ - ۲. تحلیل کاربردشناختی

مشارکین: الف) حضرت ابراهیم^(۴) که موقعیت مناسبی را با شکستن بت‌ها برای اقامه استدلال‌های خود در مقابله با بت‌پرستان ایجاد می‌کند و ب) بت‌پرستان.

بافت موقعیت: بت‌پرستان در هرسال روزی را برای بت‌ها عید می‌گرفتند. آن‌ها غذاهایی را در بتخانه حاضر می‌کردند و سپس دسته‌جمعی به بیرون می‌رفتند و در پایان روز به بتخانه باز می‌گشتند تا از آن غذاها که به اعتقادشان تبرک یافته بود بخورند. آن‌ها به ابراهیم^(۴) پیشنهاد دادند تا با آن‌ها بروند؛ ولی او به عذر بیماری با آن‌ها نرفت. ابراهیم وارد بتخانه شد و همه بت‌ها را شکست و بت بزرگ را سالم نگهداشت (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۲۸۷: ۴۶۹).

توزیع کنش‌های گفتاری: در مرحله رویارویی، بیان دیدگاه حضرت ابراهیم^(۴) به صورت یک پرسش رتوريکی یا بلاغی و در قالب کنش گفتار ترغیبی است. در مرحله بابگشایی حضرت ابراهیم^(۴) با استفاده از ابزار تأکید به صورت کنش گفتار اظهاری آن‌ها را به‌خود آورد تا کمی فکر کند. در مرحله استدلالی، بت‌پرستان و حضرت ابراهیم^(۴) از کنش گفتار ترغیبی استفاده کرده‌اند. در مرحله نتیجه‌گیری، کنش گفتار ترغیبی از جانب بت‌پرستان در آیه ۶۸ نشان می‌دهد که آن‌ها بیشتر بر دیدگاه باطل خود تأکید داشتند. کنش‌های گفتاری به‌کاررفته در مراحل چهارگانه در قالب جدول ۷ آمده است.

جدول ۷: توزیع کنش‌های گفتاری در گفتار گوی حضرت ابراهیم^(۶) با بتپرستان(انبیا / ۲۱ - ۵۰ - ۷۱)

Table 7: Distribution of speech acts in Abraham's dialogue with starworshipers.
(Al-Anbiya /21- 50-71)

مراحل استدلال	کنش‌های گفتاری
۱. مرحله رویارویی	دیدگاه توحید: کنش گفتاری ترغیبی: این مجسمه‌های بی‌روح را پرستش نکنید. دیدگاه بتپرستی: کنش گفتاری اظهاری: ما پدران خود را دیدیم که آن‌ها را پرستش می‌کنند.
۲. مرحله بابگشایی	حضرت ابراهیم: کنش اظهاری: مسلمًا شما و هم پدرانتان در گمراهی آشکاری بوده‌اید. بتپرستان: کنش ترغیبی: آیا مطلب حقی برای ما آورده‌ای یا شوخی می‌کنی؟ حضرت ابراهیم: کنش اظهاری: پروردگار شما همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است که آن‌ها را ایجاد کرده و من از گواهانم، کنش تعهدی: در غیاب شما نقشه‌ای برای نابودی بتهایتان می‌کشم.
۲. مرحله استدلالی	بتپرستان: کنش گفتاری اظهاری: ما پدران خود را دیدیم که آن‌ها را پرستش می‌کنند. کنش گفتاری ترغیبی: تو این کار را با خدایان ما کرده‌ای؟ حضرت ابراهیم: کنش ترغیبی: بلکه بزرگشان این کار را کرده باشد. از آن‌ها بپرسید اگر سخن می‌گویند. بتپرستان: کنش گفتاری اظهاری (با خود گفتن) حقاً که شما ستمگردید. بتپرستان کنش گفتاری اظهاری: تو می‌دانی که این‌ها سخن نمی‌گویند. حضرت ابراهیم ^(۶) : کنش ترغیبی: آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد و نه زیانی به شما می‌رساند؟ کنش عاطفی منفی: اف بر شما و آنچه جز خدا می‌پرستید. کنش ترغیبی: آیا اندیشه نمی‌کنید؟
۴. مرحله نتیجه‌گیری	بتپرستان: کنش گفتاری اعلامی و ترغیبی: او را بسوزانید و خدایان خود را باری کنید اگر کاری از شما ساخته است؟ کنش گفتاری پس بیانی: سرانجام او را در آتش افکنند.

جدول ۸: بسامد کنش‌های گفتاری در گفت‌و‌گوی حضرت ابراهیم^(۴) با بتپرستان

(شعراء/ ۲۶/ ۷۰-۷۰)، (انبیا/ ۲۱/ ۲۹)، (عنکبوت/ ۲۹/ ۵۱) و (صفات/ ۳۷/ ۸۵-۹۹)

Table 8: Frequency of speech acts in Abraham's dialogue with starworshipers . (Al Sho'ara 26/ 70-82) , (Al – Anbiya 21/ 51-70) , (Al – Ankabut / 29- 16-25) , (Al – Safat 27/85-99)

کنش گفتاری	بسامد(قهرمان)	درصد	بسامد(ضدقهرمان)	درصد	درصد
اظهاری		%۱۰/۲۹	۷		%۲۵/۲۹
ترغیبی		%۱۴/۷۰	۱۰		%۲۹/۴۱
اعلامی		.	.		%۴/۴۱
تعهدی		.	.		%۱/۴۷
عاطفی		.	.		%۴/۴۱

بررسی مراحل استدلالی و کنش‌های گفتاری در گفت‌و‌گوی مزبور حاکی از آن است که در این گفت‌و‌گو نیز مانند گفت‌و‌گو با ستاره‌پرستان «جنبه دراماتیک بودن» بسیار شاخص می‌شود. در اولین حرکت استدلالی در آیه ۸۵ سوره صفات، حضرت ابراهیم^(۴) قوم خود را قانع کرد که بیمار است و در شهر ماند. وی در اقامی انقلابی در غیاب قوم خود بت‌ها را شکست و تبر را روی شانه بت بزرگ گذاشت و با به‌کارگیری طرح استدلالی «نشانه شناختی» مبنی بر اینکه این بت‌ها حتی نمی‌توانند سخن بگویند، آن‌ها را وادار به تفکر کرد. در آیه ۵۷ انبیا، کنش تعهدی از سوی حضرت ابراهیم^(۴) وجود دارد. در آیه ۵۸ انبیا و ۹۳ صفات، وی با شکستن بت‌ها به کنش گفتار تعهدی خود جامه عمل پوشاند و گفتمانی استدلالی را به نمایش گذاشت. در این مناظره با بتپرستان که در سوره‌های مختلف آمده است، مقایسه کنش‌های گفتاری نشان می‌دهد که کنش گفتار اظهاری از سوی حضرت ابراهیم^(۴) با ۳۵/۲۹ درصد بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است. او تقریباً بیش از سه برابر مشرکان از کنش گفتاری اظهاری استفاده کرده است.

۵. نتیجه

ون امرن و خروتنورست (2004) بر این باور هستند که هدف از کاربرد مدل پرگما - بیالکتیک حل کردن اختلاف‌نظر در یک موضوع خاص است و دارای مراحل چهارگانه‌ای است

که طرفین موافق و مخالف یک دیدگاه فکری با بیان دیدگاهها و آوردن استدلال و دفاع از نظر خود تلاش می‌کنند تا طرف مقابل را مقاعده کنند. در نوشتار حاضر مسئله تحقیق در قالب این سؤالات بررسی شد: ۱. آیا مراحل استدلال و شیوه‌های اقناع مخاطب در مناظرات مختلف با یکدیگر تفاوت دارند؟ ۲. آیا کنش‌های گفتاری در مناظرات مختلف یکسان‌اند؟ این پرسش‌ها از زوایای مختلف دیالکتیکی و کاربردشناختی تجزیه و تحلیل شد و نتایج ذیل به دست آمد.

با توجه به تحلیل گفت‌وگوهای استدلالی حضرت ابراهیم^(۴) براساس مدل پرگما - دیالکتیک، در خصوص مراحل استدلال و شیوه‌های اقناع، بررسی حاضر شان می‌دهد که مراحل استدلال و شیوه‌های اقناع مخاطب در مناظرات مختلف با یکدیگر تفاوت دارند. گفت‌وگو با ستاره‌پرستان از نظر مرحله رویارویی و باب‌گشایی از دیگر مناظره‌ها متمایز است. به این ترتیب که ۱. اختلاف‌نظر در مرحله رویارویی پنهان است و به تدریج در مرحله باب‌گشایی و استدلالی آشکار می‌شود. ۲. در گفت‌وگوی حضرت ابراهیم^(۴) با ستاره‌پرستان هیچ‌گونه کنش گفتاری از جانب آنان در متن گفت‌وگو برای مراحل مختلف وجود ندارد و آن‌ها در قبال استدلال‌های حضرت ابراهیم^(۴) با کنش گفتاری پس‌بیانی سکوت، به‌طور غیرصریح نتیجه گفت‌وگو را نشان داده‌اند. ۳. دیدگاه در این گفت‌وگو دارای قالب مفرد یک‌طرفه است. ۴. بارزترین وجه مانور راهبردی با مخاطب «دراماتیک بودن»، این مناظره است. حضرت ابراهیم^(۴) با وارد کردن مؤلفه زمان از یکسو و استفاده از استدلال برون‌زبانی از سوی دیگر مخاطب را به تفکر دعوت می‌کند. آن حضرت تلاش می‌کند تا با اشاره به «افول کردن» ماه، ستاره و خورشید به آن‌ها شان دهد که این‌ها شایسته پرستش نیستند. در مورد شیوه اقناع نیز حضرت ابراهیم^(۴) در مرحله سوم مناظرات برای دست یافتن به اقناع مخاطب با توجه به مخاطب و بافت، از طرح‌های استدلالی مقایسه‌ای و علی بهترتیب برای نمروд و آزر و از طرح استدلال نشانه‌شناختی و روش دراماتیک برای اقناع ستاره‌پرستان و بت‌پرستان استفاده کرده است. همه این موارد نشان می‌دهند که حضرت ابراهیم^(۴) از شیوه‌های اقناع متنوعی با توجه به مخاطب و بافت بهره گرفته است. مرحله نتیجه‌گیری نیز در گفت‌وگو با نمرود با کنش پس‌بیانی «بهت و سکوت»، در ستاره‌پرستان به صورت «سکوت»، در گفت‌وگو با آزر با کنش پس‌بیانی «سنگسار کردن» و در مناظره با بت‌پرستان با کنش پس‌بیانی «به آتش افکنن» نشان داده شده است. درنتیجه، اولین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه مراحل استدلال و شیوه‌های اقناع مخاطب در مناظرات مختلف

تفاوت ندارند، رد می‌شود.

از نظر کاربرد کنش‌های گفتاری، نوع و میزان کاربرد کنش‌ها در مناظرات مختلف متفاوت است. مثلاً در مناظره با نمروд تنها کنش اظهاری و ترغیبی استقاده شده است یا در گفت‌وگو با ستاره‌پرستان کنش تعهدی وجود ندارد. از نظر بسامد کاربرد کنش‌های گفتاری نیز اگرچه کنش اظهاری بیشترین کاربرد را در همه مناظرات داشته؛ اما بسامد آن در هر کدام متفاوت بوده است و بسامد سایر کنش‌ها نیز به تناسب بافت و موقعیت هر مناظره فرق می‌کند. بیشترین کاربرد کنش اظهاری از سوی حضرت ابراهیم^(۴) در مناظره با نمرود و ۵۰ درصد است؛ کنش عاطفی در گفت‌وگو با آزر و ۲۱/۴۲ درصد، کنش اعلامی در گفت‌وگو با ستاره‌پرستان و ۳۰/۴۲ درصد و ترغیبی در مناظره با بت‌پرستان و ۲۹/۴۱ درصد است. به این ترتیب، فرضیه دوم پژوهش که به یکسان نبودن کنش‌های گفتاری در مناظرات مختلف اشاره دارد، تأیید می‌شود.

در بررسی حاضر، کاربرد بالای کنش‌های اظهاری از سوی حضرت ابراهیم^(۴) در همه مناظرات از یکسو فقر تفکر و دیدگاه ضدقهرمان‌ها را نشان می‌دهد که غرور، تعصب و تقیید جای آن را گرفته بود و از سوی دیگر نشان‌دهنده این واقعیت است که این کنش‌های سرشار از اصول توحید ضروری بودند تا مشرکان دست از شرک بردارند و با اصول اعتقادی بیشتر آشنا شوند. میزان بالای کنش عاطفی در گفت‌وگو با آزر نیز نشان‌دهنده ادب و احترام حضرت ابراهیم^(۴) به آزر است و در مناظره با ستاره‌پرستان، کاربرد کنش‌های اعلامی حاکی از آن است که مانور راهبردی «دراماتیک» بودن گفت‌وگو را به طور مناسبی نشان دهد و کنش‌های ترغیبی در مناظره با بت‌پرستان برای به فکر و اداشتن آن‌ها به کار رفته است.

وجود کیفی مرحله نتیجه‌گیری در مراحل چهارگانه استدلال مناظرات حضرت ابراهیم^(۴) درخور تأمل است. این مسئله نشان از تفاوتی است که مدل پرگما - دیالکتیک نتیجه را در بخش دیالکتیک محصور کرده است؛ ولی در این گفت‌وگوهای قرآنی با شکستن این حصار، نگاهی کاربردشناختی برای مرحله نتیجه‌گیری در گفتمان استدلالی قرآن کریم وجود دارد. بنابراین، چنانچه این مدل بخواهد در برگیرنده همه گفتمان‌های استدلالی باشد باید در مرحله نتیجه‌گیری تعديل‌هایی را در نظر بگیرد.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Paltridge
2. argumentative discourse
3. Van Emeren & Grootendorst
4. speech acts
5. Pragma-dialectic
6. Toulmin
7. *New Rhetoric*
8. Alberesht Titika
9. An ideal model of a critical discussion
10. standpoint
11. confrontation
12. opening
13. argumentation
14. concluding
15. scheme
16. argumentative moves
17. Guy Kook
18. Houtlosser

۷. منابع

- اعتباری، زهرا (۱۳۹۲). *بررسی شاکله‌های استدلال‌ورزی در مبحث حجاب*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- پیش‌قدم، محمد و آتنه عطاران (۱۳۹۴). «بررسی کنش گفتاری استدلال در زبان تبلیغات مجلات فارسی و انگلیسی». *جستارهای زبانی*. د. ۶. ش. ۳. صص ۴۵ - ۴۶.
- پیشوایی علوی، محسن و فردین حسین پناهی (۱۳۹۳). «تحلیل گزاره‌های پرسشی در سوره مومنون بر اساس نظریه کنش‌کلامی». *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*. ش. ۴. صص ۶۵ - ۹۳.
- تاکی، گیتی (۱۳۸۸). *نقش‌نماهای کلامی گفتمان‌های استدلالی در زبان فارسی*. پایان‌نامه دکتری. زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسینی، محمد (۱۳۸۲). *ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن*. تهران: ققنوس.

- حسینی معصوم، سیدمحمد و عبدالله رادمرد (۱۳۹۲). «تأثیر بافت زمانی مکانی بر کنش گفتار مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم».
- جستارهای زبانی. د. ۶ ش. ۳. صص ۶۵-۹۲.
- صفوي، کوروش (۱۳۷۹). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر اسلامی.
- ضیاحسینی، محمد (۱۳۹۱). سخن‌کاوی انتقادی. تهران: رهنما.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۲). بررسی کنش‌های گفتاری در ترجمه جزء سی قرآن کریم بر اساس نظرات آستین (۱۹۶۲) و سرل (۱۹۶۹). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- گای کوگ (۱۳۸۹). زبان‌شناسی کاربردی. ترجمه علی روحانی و محمودرضا زمردان. چ ۱. تهران: رهنما.
- فلاحپور، محمد (۱۳۷۳). «منظرات ابراهیم خلیل^(۴) در قرآن کریم». مصباح. س. ۳. ش. ۹. صص ۷۹-۱۰۴.
- مکارم شیرازی و همکاران (۱۳۷۸). تفسیر نمونه. چ ۲. ۳۶. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی و همکاران (۱۳۸۷). تفسیر نمونه. چ ۱۳. ۳۶. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ویسی، الخاص و غلامحسن اورکی (۱۳۹۴). «کارکردهای معنایی و توان منظوری جملات استقهامی قرآن کریم با توجه به نظریه کنش گفتاری». نهن. ش. ۶۲. صص ۵-۳۰.

References

- Abbassi, M. (2013). *The study of speech acts in the translation of 30th chapter of holy Quran based on Austin (1962) and Searle (1969) theories*. M.A Thesis in general linguistics, Sistan and Baluchestan University. [In Persian].
- Etebari, Z. (2013). *Argumentation theory in critical discourse analysis, an explanation on Argumentation along with a research on prominent argument schemes on the subject of Hijab*. M. A. Thesis in general linguistics. Ferdowsi university of Mashhad. [In Persian]

- Eveline, F. (2011). *Keeping in Touch with Pragma-Dialectic*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Fallah Pour, M. (1995). "Abraham debates in holy Quran". *Mesbah Journal*. Vol. 3. No. 4. Pp. 79-104. [In Persian]
- Hosseini, M. (2012). *Morphology of Quran Stories*. Tehran: Ghoghnus. [In Persian]
- Hosseini-Maasoum S. M. & A. Radmard (2015). "The effect of tempo-spatial context on speech act analysis; comparing the frequency of Speech Acts in Meccan & Medinan Surahs of Holy Quran". *Language Related Research*. Vol. 6. No. 3.Pp. 65-92.[In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (2008). *Tafsir Nemuneh*. Vol.13, 36th publication. Tehran: Darolketab Islamiyah. [In Persian].
- -----.(1999). *Tafsir Nemuneh*. Vol.2, 36th publication. Tehran: Darolketab Islamiyah. [In Persian].
- Paltridge, B. (2006) *Discourse Analysis*. London: Warner Entertainment Company.
- Pishghadam, R. & A. Attaran (2015). "Analyzing argumentation's Speech act advertisements of English and Persian magazines". *Language Related Research*. Vol. 6, No 3. Pp. 45-64 [In Persian]
- Pishvaei Alavi, M. & F. Hosseinpanahi (2014). "Analyzing interrogative propositions in Surah Al-Mu'minoon based on speech act theory". *The Quarterly Journal of Literary-Quranic Researches*. Vol. 2. No. 4. Pp. 65-93. [In Persian]
- Safavi, K. (2010). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Research Center for Islamic Art and Culture.
- Searle, J. (1969) *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*.Cambridge: Cambridge University Press.

- Taki, G. (2009). *Discourse Markers of Argumentative Discourse in Persian*. Ph.D. Dissertation in General Linguistics, Allameh Tabatabaei University - Tehran. [In Persian]
- Toulmin, S.E. (1958). *The Uses of Argument*. Cambridge University Press.
- Van Eemeren, F.H.; P. Houtlosser & A. Francisca Snoeck Henkemans (2007). *Argumentative Indicators*. The Netherlands: Springer.
- -----; R. Grootendorst & A.F. Snoeck Henkemans (2002). *Argumentation. Analysis, Evaluation, Presentation*. Mahwah, N.J.: Lawrence Erlbaum Associates.
- Van Eemeren, F. H. et al. (2014). *A Handbook of Argumentation Theory*. London: Springer Dordrecht Heidelberg.
- ----- & R. Grootendorst (2004). *A Systematic Theory of Argumentation. The Pragma-dialectic Approach*. Cambridge: Cambridge University Press.
- ----- (2010). *Strategic Maneuvering*. London New York: Springer.
- Veisi, E. & Gh. H. Orki (2013). "Semantic functions and illocutionary force of interrogative sentences of Holy Quran according to speech act theory". *Mind*. Vol. 16, Issue.62. Summer. 2013, Pp. 5-30. [In Persian]
- Ziahosseini, S. M. (2012). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Rahnama publishing house. [In Persian]